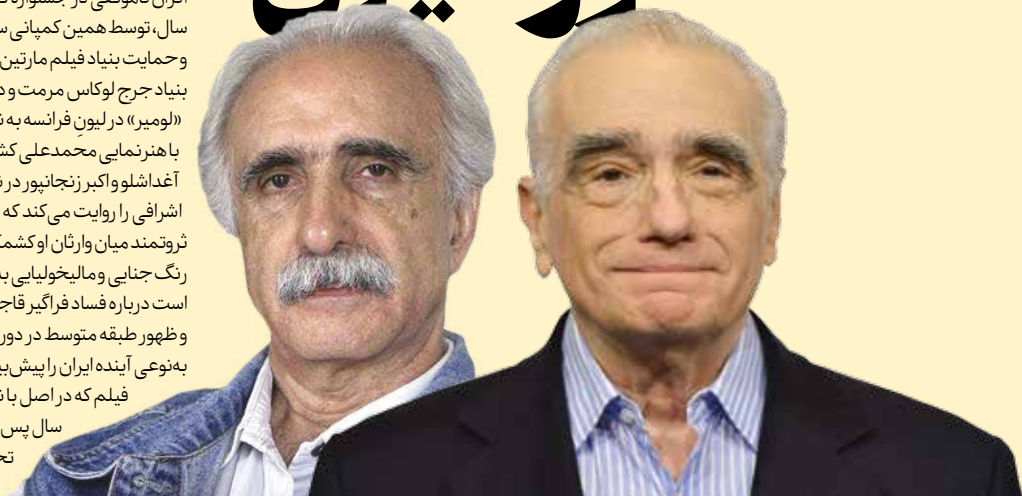




سپاس آقای اسکورسیزی



دیروز و امروز یک فیلم

ماجرای این بود که وقتی فیلم در جشنواره جهانی تهران به نمایش درآمد، با شرایط نامناسبی پخش شد و کسی نتوانست فیلم را با نور یا کیفیت درست ببیند. متأسفانه هیچ کس این فیلم را با کیفیت درست و کامل ندید! بنابراین بدون اینکه به خودشان زحمت بدهند و فیلم را کامل ببینند به فیلم حمله کردند و گفتند فیلم نامه مشکل دارد و قابل فهم نیست! طبیعی است وقتی نیمی از فیلم حذف شود دیگر قابل فهم نخواهد بود. آقای محمدرضا اصلانی نسخه فیلم را برای من به پاریس فرستادند و زمانی که من در حال مکاتباتی با مؤسسات اروپایی بودم و داشتم تقاضای ترمیم فیلم را پیگیری می‌کردم، چند نفر از شاگردان آقای اصلانی بدون آنکه شناختی از فیلم و از سیستم کاری کشورهای غربی داشته باشند، بدون هماهنگی درست، برای ترمیم فیلم با سینماتک‌ها یا جاهای دیگر مکاتبه کردند. این افراد می‌خواستند کمک کنند اما آشنایی با این کار نداشتند. مسأله این است که اگر نامه‌ای که درست نوشته نشده است، به مرکزی داده شود، ارزش کار را پایین می‌آورد. کسی که متخصص کاری نیست و خودش را وسط می‌اندازد تا خود را مطرح کند، در واقع مثل سدی جلوی پا می‌شود. اصولاً غرور شخصی را باید در مقابل مسأله نجات میراث فرهنگی کنار گذاشت و کار را به‌کاردان سپرد. خلاصه به‌خاطر این دلایل مجبور شدم کمی صبر کنم تا زمان نامه‌های اشتباهی که از طرف افراد مختلف فرستاده شده، بگذرد و اسم فیلم از فهرست درخواست‌ها خارج شود. این مسأله و این افراد کار من را عقب انداختند! برای مسائل حقوقی فیلم هم نیاز به زمان بود. بالاخره سال ۱۳۹۷ یکی از شاگردان آقای اصلانی، آقای میلانی، آقای احسان خوشبخت را به من معرفی کردند و به لطف آقای خوشبخت توانستم با مسئول بخش ترمیم سینماتک بولونیا وارد بحث و گفت‌وگو شوم و درخواست اصلی را بدهم. مسئول سینماتک بولونیا فیلم را به مراکزی که بودجه ترمیم را تأمین می‌کنند، معرفی کردند؛ خصوصاً به مرکز مارتین اسکورسیزی، فیلم فاندیشن (Film Foundation) که من قبل‌تر با آنها هم در مذاکره بودم. این مذاکرات بالاخره نتیجه داد و آنها وقتی «شطرنج باد» را دیدند بشدت جذب فیلم و متوجه ارزش فیلم و جایگاه تاریخی آن در سینمای ایران شدند. بعد از چندین ماه بحث و گفت‌وگو درباره سبک و ارزش هنری فیلم و مسائل حقوقی فیلم در نهایت، فیلم فاندیشن (Film Foundation) و چینه‌تکا (یا همان سینماتک) بولونیا (Cineteca di Bologna) در ایتالیا و مرکز ایماژ روتوره (Image Retrouvée) در پاریس هزینه ترمیم تکنیکی فیلم را تقبل کردند. این شانس بزرگی بود که آنها ترمیم فیلم را به عهده گرفتند، زیرا چینه‌تکای بولونیا یکی از مهم‌ترین و پیشرفته‌ترین مراکز ترمیم فیلم در دنیاست و امکاناتی که دارند و افرادی که آنجا کار می‌کنند از بهترین‌ها محسوب می‌شوند. فیلم «خشت و آینه» ابراهیم گلستان هم به کمک این سازمان ترمیم شده است. از خصوصیات ترمیم «شطرنج باد» این بود که این فیلم رنگی است و بقیه فیلم‌های ایرانی ترمیم شده در این مرکز سیاه و سفید بودند و رنگی بودن این فیلم به زمان و دقت و کار بیشتری نیاز داشت و بخصوص که این فیلم یک نمونه از فیلم‌های ارزشمند رنگی ایرانی در تاریخ سینمای ایران است.

گفت‌وگوی گیتا اصلانی (دختر محمدرضا اصلانی) با فرانک آرتا/روزنامه شرق

← سال گذشته در جشنواره «ایل چینما ریتراتو» تعداد زیادی از فیلم‌های مرمت شده مثل «از نفس افتاده» (ژان لوک گدار)، «مرد فیل نما» (دیوید لینچ)، «استراتژی عنکبوت» (برناردو برتولوچی)، «ژئرال» (باستر کیتن) که همگی توسط سینماتک بولونیا مرمت شده بودند به نمایش درآمدند و به همین موازات فیلم «شطرنج باد» به کارگردانی محمدرضا اصلانی و تهیه‌کنندگی بهمن فرمان‌آرا هم که در سال ۱۳۵۵ اکران ناموفقی در جشنواره فیلم تهران داشت بعد از ۴۴ سال، توسط همین کمپانی سینماتک بولونیا و با پشتیبانی و حمایت بنیاد فیلم مارتین اسکورسیزی و با کمک مالی بنیاد جرج لوکاس مرمت و در دوازدهمین جشنواره فیلم «لومیر» در لیون فرانسه به نمایش درآمد. «شطرنج باد» با هنرنمایی محمدرضا اصلانی و نقش‌های اصلی، داستان خانه‌ای اشرافی را روایت می‌کند که در آن پس از مرگ یک زن ثروتمند میان وارثان او کشمکش آغاز می‌شود که خیلی زود رنگ جنایی و مالی‌خولیایی به خود می‌گیرد. این فیلم اثری است درباره فساد فراگیر قاجاری و نیز شکاف‌های اجتماعی و ظهور طبقه متوسط در دوره پهلوی، که از خلال روایتش به‌نوعی آینده ایران را پیش‌بینی می‌کند. نسخه بازسازی شده فیلم که در اصل با نور پایین فیلمبرداری شده، ۴۵ سال پس از ساختش، همچنان بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. منتقدان

گفتند فیلم‌ساز بدی هستی

این فیلم از دست رفته و فراموش شده بود. نمی‌دانم سروصدای این کار چطور پیچید و جشنواره بولونیا که بیشتر جشنواره‌ای برای فیلم‌های کلاسیک است، چطور آن را ردیابی و کشف کرد که بعد، دخترم نگاتیو اصلی فیلم را به آنها رساند. جشنواره بولونیا هر سال ۵۰ فیلم برای مرمت به بنیاد اسکورسیزی پیشنهاد می‌دهد که برای امسال این بنیاد، دو فیلم را پذیرفت که یکی از آنها شطرنج باد بود. شورای سازمان اسکورسیزی در حالی این فیلم را برای ترمیم انتخاب کرد که در ایران و زمان اکران آن را اسنوب کردند و حتی بعضی‌ها الان هم می‌نویسند «تصاویر این فیلم بد نیست، ولی نه داستان دارد، نه کاراکتر دارد»؛ از این حرف‌های این‌طوری هم می‌زنند، در حالی که دو دفعه هم درست و حسابی آن را ندیده‌اند. من یک کار تاریخی نساختم، هرچند که وجوه تاریخی داستان هم کاملاً حفظ شده، ولی فقط یک کار تاریخی نکردم. در واقع یک فلسفه تاریخ را مطرح کردم. همان زمان اکران مصاحبه‌ای با

و اما تیتراژ

زاهد، خوشنویس خیلی خوبی بود و من اصرار داشتم که تیتراژ فیلم با همین خط ثلث نوشته شود. یکی از عناوین تیتراژ، همین «اثرات مخصوص» است، کار مهدی بهمن‌پور. اثرات مخصوص همان اسپشیل افکت و تروکاژهای صحنه است و مهدی بهمن‌پور در این زمینه کارهایی را روی لباس‌ها و اشیاء انجام می‌داد؛ در سینمای ایران همیشه لباس‌هایی که به تن بازیگر می‌کنند، نو به نظر می‌رسد که فاجعه است؛ درحالی‌که در سینمای جهان برای کارهای تاریخی، تمهیداتی در نظر می‌گیرند و می‌توانند کاری کنند تا لباس‌ها به تن بازیگر بنشینند و نو و پف‌کرده نباشد که انگار تازه از خیاطی آمده است؛ حتی «لوکینو ویسکوتی» لباس‌ها را در آب‌نمک می‌خواباند. بهمن‌پور درباره اشیاء هم کارهایی انجام داد که تازه و برق‌انداخته نباشند. او گرافیسیت و کاریکاتوریست بود و کار آفیش و پوستر فیلم را هم انجام داد. آخرین نوشته‌های تیتراژ هم آی‌ای از سوره تکوین است که با صدای

«شطرنج باد» را یکی از «برج‌نیاات‌ترین و خلاقانه‌ترین» آثار سینمای متفاوت ایران برشمرده‌اند. اکران نسخه ترمیم شده این فیلم پس از سال‌ها، ورق را تا حدود زیادی برگرداند و بسیاری از منتقدان ایرانی و غیرایرانی زبان به تمجید فیلم باز کردند و از محاسن فیلم نوشتند و داستان ۴۴ ساله این فیلم. محمدرضا اصلانی متولد سال ۱۳۲۲ رشت و فارغ‌التحصیل هنر و نقاشی از دانشکده هنرهای تزئینی تهران است. او دوره آموزش فیلمسازی را در وزارت فرهنگ و هنر گذراند. اصلانی فعالیت حرفه‌ای خود را در سینما از ۱۳۴۶ با ساخت فیلم مستند «جام حسلو» آغاز کرد و مستندهایی نظیر «بدبده»، «تاری‌خانه»، «فهرج»، «ابوریحان بیرونی»، «میراث شیشه» و «کودک و استعمار» را در کارنامه دارد. اصلانی در سال‌های اخیر داور بسیاری از جشنواره‌های معتبر را بر عهده داشته و اکنون رئیس هیأت مدیره انجمن مستندسازان ایران است. ساخت مجموعه‌های تلویزیونی «سمک عیار»، «غبار نور»، «منطق الطیر» و نگارش فیلمنامه‌های سینمایی چون «سوزن‌بان»، «تنگنا»، «مرثیه»، «صبح روز چهارم» در کنار انتشار سه دفتر شعر «شب‌های نیمکتی و روزهای باد»، «بر تفاضل دو مغرب» و «سنگ‌نامه سال‌های ممنوع» و تدریس در دانشکده‌های «سینما و تئاتر» و «سوره» از جمله دیگر فعالیت‌های اصلانی به‌شمار می‌رود. در ادامه بخش‌هایی از این اظهار نظر‌ها درباره فیلم را می‌خوانیم و البته نقل‌هایی از خود محمدرضا اصلانی درباره فیلم و داستان‌هایش.

من کردند و پرسیدند فلسفه تاریخ چه ربطی به سینما دارد؟ اصلاً این حرف‌های گنده‌گویی چیست؟ درحالی‌که الان تازه ربط میان سینما و فلسفه مطرح و بسیاری معتقدند که سینما یک امر فلسفی است. چه موقع این بحث مطرح شد؟ از دهه ۹۰ قرن بیستم، در حالی که «شطرنج باد» برای دهه ۷۰ قرن بیستم است. یعنی ۲۰ سال قبل از این ما فلسفه تاریخی داشتیم، ولی آن زمان این حرف را مسخره کردند، ۳۰ سال گفتند فیلم‌ساز بدی هستی! به این دلیل تا سال ۸۶ دیگر فیلم نساختم. یک آقایی که مدیر فرهنگی هم است، در چشم من نگاه کرد و گفت شما معلم خیلی خوبی هستی، ولی فیلم‌ساز خیلی بدی هستی. به‌همین راحتی این را گفت. به یک آدم بسیار محترم فرهنگی که در یکی از نهادهای فرهنگی مملکت مشغول است، با این‌که مترجم قابلی هم است، گفتم چرا «سمک عیار» را چاپ نکردی؟ گفت آقای اصلانی سواد شما خیلی بالاست و برای همین دیگران می‌ترسند اشکالات‌تان را به شما بگویند. آقای فلانی سالی چهار تا فیلم می‌ساخت، فیلم‌ساز خیلی خوبی بود، ولی من فیلم‌ساز بدی بودم به همین خاطر نباید فیلم می‌ساختم!

گفت‌وگوی اصلانی با شهروند آنلاین

احمد رسول‌زاده قرائت هم می‌شود: «مشغول داشت شما را نبرد کردن یا یکدیگر به انبوهی/ تا آنکه که مردگان در گور بشمرید...» این ترجمه، نزدیک‌ترین لحن به زیبایی زبان قرآنی است؛ چندان کاری به دقت ترجمه میباید ندارم، بلکه لحن ترجمه‌اش برایم مسأله بود. درواقع این ترجمه، شرحی است بر تفسیری که استادش، خواجه عبدالله انصاری صورت داد. این تیتراژ، نوعی براعت استهلال برای کل فیلم است، مثل پرلود در موسیقی که یک مقدمه اولیه از کل کار را مطرح می‌کند و همان ابتدا به بیننده می‌گوید که کار چه فضا و چه حالتی دارد، ضمن اینکه این آیه، بسیار درخشان و درواقع اسطوره‌هشار به انسانیت است و به کسانی که با هم می‌جنگند، هشدار می‌دهد. این فیلم بقدری سرکوب شد که دیگر نتوانستم عوامل آن را جمع کنم. این فیلم خیلی‌ها را سرخورده کرد از جمله شهرام گلچین که با اینکه چند کار دیگر هم انجام داد اما دیگر آن اشتیاق را برای کار هنری از دست داد. مهدی بهمن‌پور هم بعد از شطرنج باد از ایران رفت و به ایتالیا مهاجرت کرد؛ آنجا مدتی کاریکاتور کار کرد، اما الان نمی‌دانم چه می‌کند و خبری از او ندارم.

گفت‌وگوی اصلانی باصابر محمدی/ایران جمعه